

در جهانی از تحولات بنیادین به سر می‌بریم

O مترجم: نیکو سرخوش



O انگیزه‌ی شما در آغاز برای مطالعه‌ی جامعه‌شناسی چه بود؟

O در واقع من اولین مدرکم را در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی گرفتم. در آن زمان من اساساً خودم را روان‌شناس می‌دانستم. مدت‌ها پیش از آن که به دانشگاه بروم به روان‌شناسی علاقه داشتم. وقتی وارد دانشگاه شدم توهم من نسبت به روان‌شناسی کم‌تر و کم‌تر شد. دست‌کم به‌منظرم نمی‌رسید روان‌شناسی آن چیزی را که به دنبالش بودم به من بدهد. یعنی درک بهتری از این که چه چیز سبب می‌شود جهان و مردم بدین‌گونه عمل کنند. روان‌شناسی شدیداً

شاید:

چاپ ویراست چهارم کتاب «جامعه‌شناسی» گیدنز، زمینه‌ای را برای طرح مجدد آراء این متفکر انگلیسی فراهم آورد. انتشارات پولیتی (Polity) که گیدنز خود صاحب آن است، در سایت خود به مناسبت انتشارات ویراست چهارم کتاب جامعه‌شناسی، بخش ویژه‌ای را به معرفی این اثر، نحوه مطالعه آن، پرسش‌های دانشجویان درباره کتاب و سخنرانی‌های گیدنز اختصاص داده است. گفت‌وگویی که ترجمه آن در زیر می‌آید، از جمله مطالب این سایت است.

O در آغاز سده‌ی بیست و یکم، مباحث اصلی پیش‌روی جامعه‌شناسان چیست؟

O ما در جهانی از تحولات بسیار شگرف به‌سر می‌بریم. به اعتقاد برخی از متفکران، تحولات جهان امروز به اندازه‌ی تحولات ابتدای توسعه‌ی جامعه‌ی صنعتی در اواخر سده‌ی هجدهم بنیادین است. من فکر می‌کنم که این دیدگاه کاملاً درست است. سه

آزمایشگاهی است و چیز زیادی در باره‌ی موفقیت‌های جهان واقعی نمی‌گوید. من بیش‌ازپیش جذب جامعه‌شناسی شدم. چون به نظرم می‌رسید جامعه‌شناسی به پرسش‌هایی که ذهن مرا مشغول کرده‌است پاسخ می‌دهد. من کار تدریس را در دهه‌ی ۱۹۶۰ در دانشگاه لیستر (Leicester) با روان‌شناسی شروع کردم. اما به‌تدریج بیش‌تر جذب علاقه‌ی اصلی تحقیقاتی‌ام یعنی جامعه‌شناسی شدم. جامعه‌شناسی برای من فقط مطالعه‌ی نهادهای بزرگی نظیر سازمان‌های حکومتی،



مجموعه‌ی اصلی از تحولات در جوامع معاصر در حال روی دادن است و وظیفه‌ی جامعه‌شناسی این است که تحلیل کند که این تحولات چه معنایی برای زندگی امروز ما دارند. این سه مجموعه عبارتند از: نخست **تغیر جهانی‌شدن**، جهانی‌شدن به معنای وابستگی متقابل و فرآیندهای ما است. زندگی ما ارتباط بیش‌ازپیش تکنولوژی با رویدادهایی دارد که کیلومترها دورتر و

حتی در آن سوی جهان رخ می‌دهند. جهانی‌شدن بر همه جا تأثیر می‌گذارد حتی بر فقیرترین کشورهای جهان. بازرترین جلوه‌ی آن را می‌توان در نقش بازارهای مالی دید که نوسان‌های شان بر زندگی هر یک از ما تأثیر می‌گذارد. اما جهانی‌شدن صرفاً اقتصادی نیست بلکه هم‌چنین دلالت دارد بر گسترش فرآیندهای ارتباطات و نیز بر یکپارچگی افزون‌تر فرهنگی و سیاسی. همین چند سال پیش شاهد انقلابی در ارتباطات بودیم یعنی اتصال تکنولوژی ماهواره‌ای به رایانه‌ها. ما می‌توانیم در یک چشم‌به‌هم‌زدن، هر زمان و با هر کسی در هر نقطه‌ای از جهان ارتباط برقرار کنیم. این ارتباط آبی بسیاری از جنبه‌های زندگی ما را تغییر می‌دهد. جلوه‌ی بارز جهانی‌شدن فرهنگی را می‌توان در گسترش زبان انگلیسی در سراسر جهان و نیز در برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌هایی دید که گاهی صدها میلیون بیننده در کشورهای مختلف دارد. از لحاظ سیاسی جهان بیش از پیش به هم پیوند خورده‌است: اکثر دولت‌ها اکنون پذیرفته‌اند که بسیاری از تصمیم‌ها را نمی‌توان صرفاً در سطح ملی اتخاذ کرد. برای مثال مسائل زیست‌محیطی که حقیقتاً نیازمند پاسخی نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح جهانی است.

دومین تأثیر عظیم عبارت‌است از تحولات تکنولوژیک، تکنولوژی اطلاعات، بسیاری از شیوه‌های کار و زندگی ما را تغییر داده‌است. برای مثال ماهیت مشاغل تغییر کرده‌است. امروزه درمقایسه با گذشته شمار آندکی از مردم کارگاه‌های کارخانه‌ای تولید می‌کنند. و در نتیجه ورود تکنولوژی اطلاعات بسیاری از مشاغل خودکار شده‌اند. سومین تأثیر بنیادین در زندگی روزمره‌ی ما روی

جامعه‌شناسی برای من فقط مطالعه نهادهای بزرگی نظیر سازمان‌های حکومتی، شرکت‌های تجاری یا جوامع به طور کل نیست، بلکه بیشتر درباره فرد و تجربه‌های فردی ما است؛ ما از طریق درک نیروهای اجتماعی گسترده‌تری که بر زندگی‌مان تأثیر می‌گذارند، فهم بهتری از خودمان به دست می‌آوریم

جلوه بارز جهانی شدن فرهنگی را می‌توان در گسترش زبان انگلیسی در سرتاسر جهان و نیز در برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌هایی دید که گاهی صدها میلیون بیننده در کشورهای مختلف دارند

داد‌است. ساختار زندگی ما را نه گذشته بلکه پیش‌تر نگاه به آینده رقم می‌زند. درمقایسه با گذشته عادت‌ها، رسوم و سنت‌ها نقش کمتری برای ما و به‌ویژه در کشورهای صنعتی ایفا می‌کنند. مثال بارز آن نقش متحول زنان است. سابقاً نقش زنان را سنت تعیین می‌کرد که عمدتاً متمرکز بود بر کار در خانه و تربیت کودکان. اما امروز زنان بیش‌ازپیش زندگی مستقل‌تری را خواهان‌اند؛ و در کشورهای غربی شمار کثیری از زنان نیروی کار حقوق‌بگیر جامعه‌اند.

جامعه‌شناسی در تعیین این نکته نقش مهمی دارد که چرا چنین گرایش‌هایی تا به این اندازه مهم‌اند و پیامدهای احتمالی آن‌ها چه خواهد بود.

○ به نظر شما کدام متفکر یا نویسنده بیش‌ترین تأثیر را بر ماهیت جامعه‌شناسی امروز گذارده‌است؟

○ به نظر من ماکس وبر نافذترین و پایدارترین تأثیر را بر جامعه‌شناسی گذاشته‌است. وبر یکی از سه «پدر بنیان‌گذار» جامعه‌شناسی است، و دوتای دیگر کارل مارکس و امیل دورکیم‌اند. البته نظریه‌های ماکس در طول سده‌ی بیستم بیش‌ترین تأثیر را روی بخشی اعظمی از جهان گذارد. اما اکنون این نظریه‌ها از برخی جنبه‌ها کاملاً اعتبارشان را از دست داده‌اند. آرای دورکیم الهام‌بخش بسیاری از جامعه‌شناسان بوده‌است. برای مثال دورکیم در کتابش تحت عنوان تقسیم کار در جامعه نظریه‌ی تحول اجتماعی را طرح می‌کند که بسیاری از جامعه‌شناسان از آن استفاده کرده‌اند. همین امر در مورد آثار او درباره‌ی خاستگاه‌های اجتماعی مذهب و انسجام

اجتماعی نیز صادق است. اما به‌رغم تأثیر بسیار فراگیر دورکیم، من فکر می‌کنم که ماکس وبر واقعاً متفکری مهم است. آثار وبر در مورد حوزه‌های بسیار متفاوتی است که جامعه‌شناسان پس از او از آن‌ها تأثیر گرفته‌اند میحتی نظریه مذهب. ظهور سرمایه‌داری، ماهیت جامعه‌ی سرمایه‌داری، دموکراسی مدرن، شهرها و زندگی شهری، طبقه، قشریندی و مهاجرت بسیار دیگر، او هم‌چنین مقالات عمیق چندی در مورد مسائل منطقی و روش‌شناختی علوم اجتماعی نوشته‌است. امروزه

وقتی بسیاری از آثار او را می‌خوانیم احساس نمی‌کنیم که زمان آن‌ها سببی شده‌است.

○ چرا فکر می‌کنید که امروزه مردم باید جامعه‌شناسی بخوانند؟

○ آرزوی من اینست که بسیاری از مردم نیز در احساس‌ها و علائقی که در پاسخ به نخستین پرسش شما از آن‌ها سخن گفتم با من سهیم باشند. جامعه‌شناسی اساساً از جهان ارائه می‌دهد که متفاوت است از چشمانداز اکثر مردم پیش از مطالعه‌ی جامعه‌شناسی. جامعه‌شناسی ما را یاری می‌دهد تا بتوانیم آن سوی یافت بی‌واسطه‌ی زندگی‌مان را ببینیم و هم‌چنین بتوانیم علت تنش‌های مان را بهتر درک کنیم. جامعه‌شناسی هم‌چنین ما را یاری می‌دهد تا جهان را به جهان بهتری بدل کنیم. به‌عبارت‌دیگر، جامعه‌شناسی دارای یک بُعد عملی مهم است. مثالی را در نظر بگیرید: چگونه می‌توانیم بدون درک از ساختار مدارس، چگونگی رابطه‌ی دانش‌آموزان با معلمان در کلاس‌های درس، مسائل پیش‌روی دانش‌آموزان معلول، فقیر و غیره شرایط آموزشی را بهبود بخشیم.